خبر

انتقادات فتاح از روند خصوصی‌سازی
دولتی‌ها چرا در معاملات دخالت می‌کنند

گروه اقتصادی: چوب حراج به بیت‌المال نزنیم، بنیاد تعاون را از معامله سایپا محترمانه بیرون کردند، دولت سهام سایپا را سه برابر قیمت به خودش فروخت، بعضاً برخی نقاط دولت در معامله‌ها دخالت می‌کنند و... بخش‌هایی از انتقادات و گلایه‌های وزیر سابق نیرو و رئیس فعلی بنیاد تعاون سپاه از روند فعلی خصوصی‌سازی است.

پرویز فتاح وزیر نیروی دولت نهم و رئیس فعلی بنیاد تعاون سپاه در گفت‌وگو با مهر انتقاداتی را نسبت به شیوه انجام خصوصی‌سازی در کشور وارد دانست و گفت: «اعتقاد دارم با خصوصی‌سازی‌ها نباید چوب حراج به بیت‌المال بزنیم.» وزیر سابق نیرو افزود: «دولت باید در واگذاری‌ها منطقی عمل کند و اصولی گام بردارد؛ اینکه فقط آمار نشان دهد شرکت‌ها را واگذار کرده است، دلیل بر عقلانیت نیست. بیت‌المال را نباید به بهایی اندک واگذار کرد یا آن را به دست نااهلان سپرد.» وی تصریح کرد: «دولت باید در واگذاری‌ها این اطمینان را داشته باشد که بیت‌المال را به خوبی فروخته و کار را به اهل فن سپرده است.»

فتاح با اشاره به واگذاری‌های اخیر در مورد شرکت‌های بزرگ خودروسازی، خاطرنشان کرد:« بنده هم اکنون در بنیاد تعاون سپاه مشغول به کار هستم و ما هم بعضاً از دولت، شرکت‌های واگذار شده را خریداری می‌کنیم. دولت همین اواخر سایپا و ایران‌خودرو را در قالب بلوک ۱۸ درصدی در بورس واگذار کرد، اما این سوال مطرح است که چرا دولت معامله ایران‌خودرو را ملغی اعلام کرد؟» وی ادامه داد: «باید از دولت پرسید چرا معامله ایران‌خودرو را به هم زد یا چرا سایپا را به سه‌برابر قیمت فروخت. چطور می‌شود هم دولت فروشنده و هم شرکت وابسته به سایپا خریدار باشد. این روش با کدام عقل اقتصادی جور درمی‌آید، ضمن اینکه بنیاد تعاون سپاه را هم محترمانه از معامله بیرون کردند.»

فتاح در ادامه گفت: «قیمت پایه سهام سایپا ۳۰۰ تومان بود ولی هر سهم را ۸۴۰ تومان فروختند. ما که در کار اقتصادی هستیم، می‌گوییم بر این عقل باید شک کرد، همان طور که مولانا می‌گوید «آن عقل بخندید که عشقش نپسندید». به عبارت دیگر، دولت دلش خوش است که سایپا را فروخته اما چه کسی آن را خریده است؟ خود دولت، ضمن اینکه باید ملاحظه کرد به چه قیمت سایپا را خریده و آیا این خرید اقتصادی است؟» وی ادامه داد: «در روزهای قبل هم اگر روزنامه‌ها را مرور کنیم باز هم گلایه از واگذاری‌ها وجود دارد. سهام بیمه دانا را ملاحظه کنید، چند فروخته‌اند و آیا این منطقی است؟» فتاح گفت: «اگر خریداری پیدا شود که یک شرکت را به قیمت غیرمنطقی بخرد، باید در عقل اقتصادی فروشنده شک کرد چراکه منطقی و منصفانه آن را نفروخته است. اما اینجا دولت واگذاری‌ها را انجام می‌دهد و این مهم است. به عنوان مثال، دولت می‌خواهد یک شرکت را ده میلیارد بفروشد، قیمتش این است. اما یک نفر می‌آید و می‌گوید من بابت این شرکت، ۳۰ میلیارد پول می‌دهم. دولت هم می‌گوید خیلی هم خوب است تو که پول بیشتری هم می‌دهی، پس من به تو می‌فروشم، اما آیا نباید این سوال را بپرسد که چرا به سه‌برابر قیمت می‌خرد؟ این چه فردی است که چوب حراج به مال خود می‌زند و به سه‌برابر قیمت یک شرکت را می‌خرد. عقل اقتصادی این کار را نمی‌کند؛ همین جا یک نکته نهفته است.» وی اظهار داشت: «من فکر می‌کنم دولت خیلی باید مراقبت کند چراکه برخی فروش‌ها را دیده‌ایم. من نمی‌خواهم همه واگذاری‌ها را زیر سوال ببرم. اما این تجربه‌های تلخ هم‌اکنون وجود دارد. بنابراین باید دقت شود که خریدار کیست و به چه قیمتی می‌خرد. دولت باید حتی بعد از واگذاری برود و سرکشی کند که سرنوشت شرکت فروخته‌شده، چگونه است. خریدار با سیاست‌های اشتغال‌زایی مخالف نباشد یا اینکه اموال شرکت‌ها را بالا و پایین نکند.»

وی در پاسخ به این سوال که شما که خریدار اولین نیروگاه کشور را می‌شناسید و با توجه به نکات فنی، آیا آنان صاحب صلاحیت هستند، گفت: «دولت بینالود را به بخش نیمه دولتی فروخته است. امیدواریم صاحب صلاحیت باشد. اگرچه آنها افراد مطمئنی به لحاظ صلاحیت فردی هستند ولی اینکه واقعاً از پس این کار فنی و پیچیده برآیند، آن را باید تحقیق و از آنها سوال کرد که مهندسان شما چه کسانی هستند و نیروگاه را چطور می‌خواهید اداره کنید. تجربه قبلی شما چیست. بنابراین وقتی می‌خواهند نیروگاه را به فردی بسپارند، باید به اهلش واگذار کنند.»

وزیر نیروی دولت نهم در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چند وقت پیش هم چند نیروگاه بابت رد دیون به برخی دستگاه‌ها از جمله بنیاد شهید داده شد، این را چطور ارزیابی می‌کنید، گفت: «به نکته خوبی اشاره شد. دولت باید در این شیوه واگذاری‌ها که بابت رد دیون صورت می‌گیرد نیز تامل کند. در نامه‌ای به دولت نوشتیم بابت بدهی ۴۵۰میلیارد تومانی به بنیاد تعاون سپاه، نیروگاه واگذار شود.»

فتاح ادامه داد: «دولت به تامین اجتماعی، بنیاد شهید و سپاه بدهکار است. هم‌اکنون که من با شما صحبت می‌کنم دولت به ما بدهکار است و در نامه‌ای به دولت نوشته‌ایم که ۴۵۰ میلیارد تومان بدهی ما را بابت دیون بپردازد. البته ما گفته‌ایم اگر دولت نمی‌تواند بدهی مذکور را به صورت نقدی بپردازد، به ما جنس بدهد؛ مثلاً نیروگاه.»

وی گفت: «طلبکار مایل است حتی طلب خود را غیرنقدی دریافت کند چراکه دولت بابت اینکه در این چند سال، بدهی ما را پرداخت نکرده است، به ما سود نمی‌دهد.» فتاح از ارائه پیشنهاد بنیاد تعاون سپاه برای دریافت نیروگاه بابت رد دیون خبر داد و گفت: «البته دولت باید پیشنهاد ما را هم ارزیابی کند؛ اینکه ما دریافت نیروگاه را بابت رد دیون پیشنهاد داده‌ایم، به دلیل این است که بنده خود در وزارت نیرو مشغول به کار بوده‌ام، جنس کار را می‌شناسم و آشنا به مباحث فنی هستم. گفتم اگر نیروگاه بگیریم، بهتر اداره می‌کنیم تا بگوییم که به ما پالایشگاه بدهند. من خودم آشنا به پالایشگاه نیستم ولی نیروگاه، به صلاحیت فنی ما مربوط است.»

گفت‌وگو با احمد خرم وزیر راه دولت اصلاحات

دو نگاه مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود

مهدی نوروزیان

عکس: رضا معطریان

-آقای مهندس، یکی از دلایل ضعف در جذب سرمایه خارجی را دولتی بودن اقتصاد می‌دانند و اینکه اراده‌ای در مدیران اجرایی وجود ندارد. شما به عنوان یک مدیر اجرایی این مساله را تا چه حد در دوران مسوولیت خود بارز می‌دیدید؟

هر دولتی دو دسته منبع در اختیار دارد؛ یک دسته منابع معروف به «منابع در دست» که شامل بودجه دولت، منابع عمرانی و منابع درآمدی بخش‌ها یا شرکت‌های مختلف دولتی است. این نوع منابع به منابع در دست معروف هستند یعنی منابعی که شما می‌توانید روی آن حساب باز کنید و در حساب خود دولت است زیرا در بودجه عمومی می‌آید و از طریق خزانه توزیع می‌شود. با یک تخمین و عملکردی که از سال‌های قبل دارید، می‌توانید برآورد کنید که مثلاً سال گذشته ۸۹ هزار میلیارد تومان بودجه دولت بوده با مثلاً ۹۰ درصد تحقق، امسال نیز با محاسبات و عملکردها ارقامی برآورد و در بودجه گنجانده می‌شود. منبع دیگر منبعی است که در اختیار دولت نیست یا حاصل رشد و ارزش افزوده اقتصاد یک کشور نیست اما وجود دارد، به این دسته از منابع، «منابع مجازی» می‌گویند؛ منابعی که در دست دولت نیست اما وجود دارد و می‌شود با برنامه‌ریزی و تضمین‌هایی از این منابع استفاده کرد؛ سرمایه‌گذاری خارجی در اشکال مختلف به علاوه فاینانس و قراردادهای بیع متقابل. اینها منابعی است که در عرصه اقتصادی دنیا وجود دارد. بسیاری از کشورها برای جذب این منابع سیاستگذاری می‌کنند اما در سیاست‌های کلی کشور ما این مساله وجود ندارد، در حالی که نسبت منابع مجازی به منابع در دست باید در قالب یک سیاست دنبال شود. مثلاً در ایران با توجه به زمینه‌ها و مزیت‌ها، می‌توانید برنامه‌ریزی کنید که چقدر منابع مجازی جذب کنید. من اعتقاد دارم می‌توان معادل بودجه سرمایه‌ای که دولت برای کشور در یک سال هزینه می‌کند منابع مجازی جذب کرد. این منابع در شکل فاینانس، بیع متقابل و سرمایه‌گذاری خارجی در اشکال دیگر امکان‌پذیر است.

-اما برخی کارشناسان فاینانس و بیع متقابل «بای‌بک» را سرمایه‌گذاری نمی‌دانند؟

سرمایه‌گذاری نباشد، منابع مجازی یا همان منابع خارجی که فقط سرمایه‌گذاری مستقیم نیست. شما به هر شکلی که بتوانید منبع برای کشور جذب کنید. در دنیا سرمایه‌گذاری، فاینانس و.. دو دهه است که به شکل گسترده مطرح و عملیاتی شده است. بنابراین یکی از اشکال سرمایه‌گذاری است.

بیع متقابل هم همین طور. این نوع قرارداد در حجم وسیع‌اش و سرمایه‌گذاری خیره‌کننده آن ۱۰ تا ۱۲ سال است که در دنیا اتفاق افتاده است. علت آن هم این است که منابع و نقدینگی که در دنیا بوده به چند برابر رسیده است. کشورهای اتحادیه اروپا و امریکا در خصوص گسترش نقدینگی و منافع خود کار سنگینی کرده‌اند؛ همان کاری که دولت نهم در راستای منافع‌اش نقدینگی را ظرف سه سال به حدود سه‌برابر رساند. نقدینگی ۶۷ هزار میلیارد تومان بود ولی الان حدود ۲۴۰ هزار میلیارد تومان است. ظرف سه سال حدود ۱۸۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافت یعنی نزدیک به سه‌برابر شد. امریکا هم در راستای منافع خودش مثل دنیا می‌آید نقدینگی را اضافه می‌کند، کم می‌کند و یک تورم جهانی را تحمیل می‌کند به همه کشورهای دنیا. تورمی را که به خودش باید تحمیل شود، توزیع می‌کند بین تمام کشورهای دنیا. سرمایه‌گذاری در گذشته آهنگ بسیار ملایمی داشت. حجم سرمایه‌گذاری‌های جهانی در چهار دهه قبل به سالی ۳۰، ۴۰ میلیارد دلار نمی‌رسید ولی کم‌کم رشد کرد و الان به حدود هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده، اما ما در این روند نصیبی نداشته‌ایم.

-اما ظاهراً سال گذشته از سه میلیارد دلار گذشته است.

آن سرمایه‌ای که در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمده در ایران همان عدد بانک جهانی است. ممکن است یک‌سری سرمایه‌های ایرانی‌های مقیم امارات و دیگر کشورها را هم در نظر گرفته‌اند. در این انتقالاتی که مثلاً می‌آیند در داخل کشور، اینکه می‌گویند سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار اگر سرمایه‌گذاری مستقیم جذب کرده باشند بیایند لیستش را اعلام کنند. شما لیستش را دارید که کجاها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند؟ در سال ۲۰۰۹ یک LC روی پروژه‌های ما باز نشد. البته من معتقدم ما استعداد این را داریم که رقم‌های کلان در قالب‌های مختلف جذب کنیم. مثلاً ما به دلیل داشتن مزیت‌های نسبتی در نفت، گاز و پتروشیمی، «بای‌بک» برای ما مناسب‌تر است، یعنی بیایند سرمایه‌گذاری کنند و از محصول‌مان برداشت کنند. این تکنیک مناسبی برای جذب منابع است. همان‌طور که در دوران آقای خاتمی عدد قابل ملاحظه‌ای به صورت بیع متقابل عمل شده است. آمدند در پارس جنوبی کار کردند به جایش LNG گرفتند و رفتند یا به جای آن میعانات گازی گرفتند، یعنی پروژه را انجام دادند و از میعانات گازی به میزان سرمایه‌گذاریشان برداشت کردند. مساله مهم این است که نسبت سرمایه‌گذاری از مسیر منابع در دست و مجازی برقرار شود. من نمی‌گویم یک نسبت ثابت، این نسبت را شما می‌توانید در سال‌های مختلف با عملکردها تغییر بدهید ولی یک عدد یک به یک، هشت‌دهم به یک، نیم به یک برقرار شود. این مساله باید مشخص شود ولی چیزی مشخص‌شده نداریم.

-چرا؟

بحث به باور به سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از منابع مجازی و خارجی برمی‌گردد. من می‌گویم این باور در کشور ما وجود ندارد. علت هم این است که اکثریت افراد این تصور را دارند که سرمایه‌گذاری خارجی، فاینانس و بای‌بک یعنی وابسته کردن مملکت، یعنی مخدوش کردن استقلال مملکت. بخش‌هایی هم وجود دارند که اتفاقاً تاثیرگذار در تصمیم‌گیری هستند. اینها منفعت‌شان در این است که سرمایه‌گذاری در داخل نشود. سرمایه‌گذاری در داخل وقتی پا بگیرد و رشد کند در میان رقابت کالاهای بنجل وارداتی و کالاهای بنجل تولید داخل قرار می‌گیرد. برای خیلی‌ها این اتفاق یک ضربه است. ببینید شما BOO، BOT، فاینانس و بیع متقابل را نمی‌توانید جذب کنید مگر آنکه توجیه اقتصادی داشته باشد و یک کالای ضروری در عرصه اقتصادی دنیا و کشور باشد. روی هر چیزی که می‌خواهند سرمایه‌گذاری شود باید توجیهی داشته باشد. معمولاً کمپانی‌های معتبر دنیا بانک‌ها و موسسات سرمایه‌گذاری معتبر دنیا دست به سرمایه‌گذاری می‌زنند. امکان این عملیات هم وجود ندارد مگر اینکه یک بانک معتبر مشاور پروژه را تایید کند. شما باید یک طرح بانکی تحویل بدهید تا بتوانید منابع جذب کنید. بنابراین در این فرآیند کالای بنجل وارد بازار نمی‌شود بلکه کالایی وارد می‌شود که علاوه بر مزیت نسبی قدرت رقابت داشته باشد. در مجموع باید بگویم باور به سرمایه‌گذاری به دو دلیل اساسی در کشور ما وجود ندارد؛ اول آنکه کسانی هستند که از واردات و تولید کالای بنجل در داخل نان می‌خورند و دیگر آنکه کسانی هستند که از موضع ظاهراً دلسوزی بحث این را دارند که کشور استقلال خود را از دست می‌دهد و وابستگی زیاد می‌شود. این دو باعث شده جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ما صورت نگیرد.

-بر اساس چه شواهدی این سخنان را می‌گویید؟

شما مستحضرید که اولین قانون سرمایه‌گذاری بعد از انقلاب یعنی اصلاح قانون سرمایه‌گذاری، در زمان دولت آقای مهندس موسوی به مجلس رفت. زمان آقای هاشمی اصلاحیه رفت، زمان آقای خاتمی هم اصلاحیه رفت و من قطعی به شما می‌گویم اگر مجلس ششم با دولت آقای خاتمی هماهنگ نبود این قانون تصویب نمی‌شد. اصلاً در مجلس طرح نمی‌شد، می‌رفت به حاشیه.

-این تفکر در کجا وجود دارد که می‌تواند آنقدر قوی عمل کند؟

در تمام سطوح وجود دارد. ببینید تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی حاصل تلاش مجلس و دولت اصلاحات بود. وقتی این قانون تصویب شد وزارت راه اولین وزارتخانه‌ای بود که به دنبال اجرای قانون رفت. سال ۱۳۸۳ ما دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار فاینانس و BOT قرارداد داشتیم. فاینانس را کنار بگذارید. دو پروژه دیگری که موفق به عقد قرارداد شدیم و قرار بود به صورت BOT (ساخت، بهره‌برداری، انتقال) اجرا شود، پروژه توسعه فرودگاه امام خمینی(ره) بود با شرکت تاو و توسعه بندر شهید رجایی با شرکت هاچینسن قوی‌ترین شرکت حمل و نقل کانتینری دنیا. هر دو قرارداد لغو شد. اصلاً طرح بردند به مجلس هفتم و قرارداد امضاشده با تاو ترکیه که مورد تایید حزب عدالت و توسعه دولت آقای اردوغان بود لغو شد. بعد هم آمدند طرح توسعه فرودگاه امام را به قرارگاه خاتم و تعاون ناجا دادند. بهانه لغو قرارداد صهیونیستی بودن تاو بود. اگر اینها اعتقاد به سرمایه‌گذاری خارجی داشتند، می‌آمدند و می‌گفتند از این ۱۰ تا شرکت با یکی قرارداد ببندید. جهت اطلاع‌تان بگویم ما ۳۱ شرکت را در مناقصه داشتیم که ۱۶ شرکت خارجی و ۱۵ شرکت داخلی بودند که از بین آنها تاو برنده این مناقصه بین‌المللی شده بود. اینکه می‌گویم باور وجود ندارد بلکه تقابل با سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد این است. از دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلاری که یک میلیاردش سرمایه‌گذاری BOT،سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود همین یک میلیارد را هوا کردند. بعد با هیچ کدام از شرکت‌های خارجی وارد مذاکره نشدند.

-آقای مهندس، ادعایی که طرف مقابل دارد این است که می‌گوید ما چه در دوره اصلاحات و چه در دوره‌های قبل از آن تولید داخلی و توانمندی‌هایش را نادیده گرفتیم و دائم سراغ شرکت‌های خارجی رفتیم، مساله دوم اینکه اتهامی وجود دارد که رفتن به سمت قراردادهای خارجی در برخی مواقع نه به دلیل منافع قراردادهای خارجی بلکه به دلیل پورسانت‌های بالایی که دارد، جذاب است و شوق و ذوق برایش وجود دارد.

ببینید به نظر من توان تولید داخلی و سطح دانش ایران با سطح دانش و تکنولوژی‌ای که در دنیا وجود دارد، قابل قیاس نیست، فکر می‌کنیم همه چیز را می‌دانیم و دانش و تکنولوژی‌اش پیش ماست و با اینها همه کار هم می‌توانیم بکنیم. در حالی که اصلاً اینجوری نیست. حالا من این حرف را می‌زنم ممکن است یکی بگوید که معروف شدید. ولی شما اندیشمندان جامعه را جمع کنید، یک گردهمایی بگذارید و صاحب‌نظران دنیا را دعوت کنید و بررسی کنید و ببینید این ادعا چقدر صحت دارد. دانش و تکنولوژی بسیاری از کالاهای مورد استفاده ما از مداد و کاغذ تا بسیاری از صنایع، مال خارج است.

-مال آنهاست ولی می‌توانیم به کار بگیریم.

به کار بگیریم، با اینکه دانش و تکنولوژی و ماشین‌سازی بومی شود، تفاوت می‌کند. گرفتن و تقلید کردن، بله می‌توانیم ولی ادعای دانش و تکنولوژی داشتن بحث است. ما می‌گوییم سرمایه‌گذاری خارجی، فاینانس و بیع متقابل دانش و تکنولوژی را به داخل منتقل می‌کند. مشارکت با صاحبان دانش و تکنولوژی در حقیقت بهترین راه انتقال دانش و تکنولوژی به یک کشور است. شما ببینید الان چینی‌ها، مالزیایی‌ها، ترک‌ها، اماراتی‌ها و عربستانی‌ها، چه پیشرفت‌هایی کرده‌اند؟ مثلاً مالزی پیشرفتی که کرده، رفته است دانش و تکنولوژی را کشف کرده و آورده؟ مشارکت نکرده؟ مالزی از تجربه خارجی استفاده کرده، آنها را به کشور خود آورده و آدم بغل دست سرمایه‌گذار خارجی و صاحب دانش گذاشته و تکنولوژی را فرا گرفته‌اند. ما نمی‌خواهیم این کار را بکنیم. به همین دلیل غیر از اپراتوری، تعمیر و نگهداری کار دیگری نمی‌کنیم. نکته دیگر اینکه بحثی که شما عنوان کردید در خصوص پورسانت منافع، بحث انحرافی قضیه است. من معتقدم و ایمان راسخ دارم اگر جریان اصلاحات که معتقد به سرمایه‌گذاری خارجی است و اعتقاد دارد این قانون باید اجرا شود کوچک‌ترین مساله‌ای داشت، پورسانت گرفته بود، منافعش تامین شده بود، از سر یک دلار آن نمی‌گذشتند. شما برایتان قابل قبول است که بنده در قراردادهای BOT منافع شخصی داشته‌ام این قوه قضائیه و قوه قضائیه قبلی از سرش گذشته؟ اطلاعات و بازرسی و حراست و ده‌ها مرکز نظارتی که در کشور هستند گذشته‌اند؟ شما می‌دانید که جریان اصلاحات نه در زمان حاکمیتش و نه الان سر سوزنی در حاشیه امن نبوده و زیر ذره‌بین و کنترل دقیق بوده. اگر اینها چیزی داشتند در این سال‌ها رو کرده بودند. اینها بحث‌های انحرافی است، آن هم به آن دلایلی که با سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از منابع مجازی مخالفت دارند. دسته اول چون نمی‌خواهند فضای غیررقابتی به هم بخورد مخالفت دارند و دسته دوم هم به لحاظ فکری اجازه چنین کاری را نمی‌دهند.

-جناب آقای مهندس من برمی‌گردم به سال ۱۳۸۰؛ زمانی که قانون سرمایه‌گذاری خارجی را که از سوی دولت وقت به مجلس ششم ارائه شده بود در یک رفت و برگشت به دلیل مخالفت شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت که حکم بین مجلس و شورای نگهبان بود به تصویب رسید. آن زمان که این اتفاق افتاد به نظر می‌رسید در سطح حاکمیت اجماعی به وجود آمده که باید نگاه امنیتی به سرمایه‌گذاری خارجی از بین برود، بنابراین فرآیند تصویب به گونه‌ای بود که بعد از تصویب این قانون باور در سطح حاکمیت به وجود آمده. این تناقض چه می‌شود، یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام که برگزیده رهبری است، می‌آید یک قانون را تصویب می‌کند اما این قانون اجرا نمی‌شود.

من یک سوال از شما دارم؛ مگر قانون مطبوعات دقیقاً اجرا می‌شود؟ این قانون را شورای نگهبان تایید کرده اما آیا به همان شکلی که خودشان تصویب کرده‌اند اجرا می‌شود؟ یا بسیاری از قوانین دیگر و حتی قانون اساسی در مورد حقوق شهروندی و...

-شاید در خصوص اینها ملاحظات سیاسی وجود دارد اما سرمایه‌گذاری خارجی یک موضوع توسعه‌ای است.

آن هم ملاحظات اقتصادی و سیاسی دارد که اجرا نمی‌شود. آنکه در ظاهر به دلیل احتمال تسلط خارجی مخالفت می‌کند هدف دیگری دارد. نگرشی که اشاره کردم اصلاً توسعه را مضر به حال مملکت می‌دانند، دیدگاه‌شان این است که توسعه یک امر وارداتی است و صرفاً به مسائل مادی توجه دارد. آنها معتقدند توسعه یک عنوان دهن‌پرکن است و واژه وارداتی و متعلق به غربی‌هاست. یعنی اصلاً با واژه و اساسش و شیوه‌هایش باید برخورد و مقابله کرد، این تفکر وجود دارد. ما الان که داریم بحث سرمایه‌گذاری خارجی می‌کنیم فارغ از اینکه این بحث ایدئولوژیک است و چقدر تاثیر در اعتقادات ما دارد به موضوع پرداخته‌ایم. در تحلیل کلان و اداره مملکت نیز باید به همین ترتیب عمل شود و این دو نگاه از هم جدا شود. ما یک بحث کاملاً علمی می‌کنیم و واقعیت‌ها را مشخص می‌کنیم. بعد بیاییم بگوییم ما از این واقعیات به خاطر اعتقادی که داریم چشم می‌پوشیم. بدانیم اول وضعیت‌مان چیست، واقعیت‌ها کدام است و اگر سرمایه‌گذاری خارجی نشود مثلاً چه اتفاقی خواهد افتاد. یا اگر تحریم بشویم چه لطماتی به کشور وارد می‌شود، بعد بیاییم بگوییم این لطمات را به جان می‌خریم؛ به خاطر ارزش بالاتری. بحث ما بحث ارزشی یا ایدئولوژیک نیست بلکه علمی است.

- دقیقاً ما هم از این منظر می‌خواهیم نگاه کنیم، پیشرفت کشور حتی اگر ارزشی هم باشد طی یک فرآیند علمی اتفاق می‌افتد.

باید طی یک فرآیند علمی اتفاق بیفتد اما نمی‌افتد.

-چرا؟

چون ما در بسیاری از مسائل تحلیل علمی نداریم. مثلاً آیا در بحث تحریم بررسی علمی کرده‌ایم که چقدر تا الان برای کشور هزینه داشته است؟

-چه حوزه‌هایی را در برمی‌گیرد.

در همه حوزه‌ها هست. این محاسبه آنچه را که قابل برآورد است نشان می‌دهد، بخشی هم قابل برآورد نیست. مثل بیکاری که به خاطر تحریم‌ها ایجاد می‌شود یا رکود ناشی از تحریم. اینها را که دیگر شما نمی‌توانید به عدد و رقم درآورید. قابل محاسبه نیست.

-برای اینکه از عواملی که گفتید عبور کنیم باید چه بکنیم؟ ما قانون داریم اما به گفته شما اجرایی نشده. برای عبور از موانعی که ظاهراً به نبود اراده برمی‌گردد، باید چه کرد؟

باید این نگاه تغییر کند، دولت باید این نگاه را دور کند. نوع تفکر در برخورد با دنیا یا به عبارتی سیاست خارجی کشور بسیار مهم است. سیاست خارجی کشور در زمان آقای خاتمی بر مبنای تعامل با دنیا سازمان پیدا کرد.

- البته این دولت می‌گوید ما دیپلماسی عمومی را پیش گرفته‌ایم، یعنی به جای اینکه با دولت‌ها تعامل کنیم با ملت‌ها در تعامل هستیم و تلاش می‌کنند با تغییر ذهنیت مردم این کشورها و تاثیرگذاری بر آنها، منافع خود را تامین کنند.

نتیجه‌اش چه شد؟ نتیجه اقتصادی آن برای مملکت ما چه شد؟ بیایند بگویند با این دیپلماسی ما این عدد را به دست آوردیم. بیایند بگویند با این حرکت این عدد را به دست آوردیم. اصلاً تعامل با ملت‌ها از چه طریقی است؟ شما یک سری مجامع و سازمان‌های بین‌المللی دارید که تعامل بین دولت‌ها در آن تعریف می‌شود و یکسری قوانین و مقررات بین‌المللی دارید که رعایت آنها موجب تعامل بین کشورها می‌شود و اینها بعد تعیین‌کننده تعامل بین دولت‌ها هستند. در روابط، تعامل بین دولت‌ها معنا دارد. ما با دولت ونزوئلا در تعامل هستیم نه با ملت آنها. یا با زیمبابوه هم ما با دولتش ارتباط برقرار کردیم. با ملت ورشکسته‌اش کجا ما ارتباط داریم.

-اینها می‌گویند این رویه حق‌مدارانه که این دولت پیش گرفته الان در میان ملت‌ها طرفدار پیدا کرده.

ببینید مساله همین‌جا است. مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نمی‌شود ارزشی بررسی کرد. شما هر بررسی‌ای بکنید با یک کلمه حرف می‌شود روی همه آنها خط کشید. باید ببینیم واقعیت‌ها و تحلیل علمی چه می‌گوید. چه می‌دهیم چه می‌گیریم. باید هزینه و فایده کرد، تا این منطق حاکم نشود راه به جایی نمی‌بریم.

احمد خرم با قرارداد تاو گره خورده است؛ قراردادی که برای توسعه فاز دوم فرودگاه امام خمینی(ره) بسته شد. این قرارداد که با یک شرکت ترکیه‌ای بسته شد دچار چالش‌های زیادی شد به گونه‌ای که مجلس هفتم برای این قرارداد و قرارداد ترک‌سل که به منظور راه‌اندازی اپراتور دوم تلفن همراه بود طرحی به تصویب رساند که شرایط تفاهم‌شده میان دولت و شرکت‌های خارجی طرف قرارداد را دگرگون کرد. خرم نیز در همان مجلس با طرح استیضاح نمایندگان از وزارت کنار گذاشته شد. سرنوشت خرم به عنوان مدیری که بر سرمایه‌گذاری خارجی اصرار داشت این گونه رقم خورد. به اعتبار همین تجربه با او در «خصوص چالش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران» گفت‌وگو شد. او به اعتبار سال‌ها تجربه در دستگاه‌های اجرایی به مشکلات ناشی از جذب سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته است؛ مشکلاتی که در بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته جزء موارد اول در موانع جذب سرمایه‌گذاری عنوان شده است. بنا بر این پژوهش‌ها نبود اراده در تصمیم‌گیران، مهم‌ترین عامل برای ناکامی ایران در آوردن سرمایه‌گذار معرفی شده است. خرم با صحه گذاشتن بر این مطلب از دلایل نبود این اراده سخن می‌گوید. او مخالفان را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند؛ دو دسته‌ای که با انگیزه‌های متفاوت بر سر راه سرمایه‌گذاری مانع می‌تراشند.

نکته

-در مجموع باید بگویم باور به سرمایه‌گذاری به دو دلیل اساسی در کشور ما وجود ندارد؛ اول آنکه کسانی هستند که از واردات و تولید کالای بنجل در داخل نان می‌خورند و دیگر آنکه کسانی هستند که از موضع ظاهراً دلسوزی بحث این را دارند که کشور استقلال خود را از دست می‌دهد، نگرش دوم توسعه را مضر به حال مملکت می‌دانند، دیدگاه‌شان این است که توسعه یک امر وارداتی است و صرفاً به مسائل مادی توجه دارد. آنها معتقدند توسعه یک عنوان دهن‌پرکن است و واژه وارداتی و متعلق به غربی‌هاست.

حاشیه اقتصاد

واگذاری پروژه ۱۲۴ میلیارد تومانی به قرارگاه خاتم

محمدرضا رحیمی معاون اول دولت دهم با اجرای بخشی از عملیات توسعه محور هراز توسط قرارگاه خاتم‌الانبیا موافقت کرد. به گزارش مهر، محمدرضا رحیمی با تقاضای سیدعلی‌اکبر طاهایی استاندار مازندران مبنی بر اجرایی شدن تفاهمنامه بین وزارت راه و ترابری و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) در رابطه با اجرای چهارخطه قطعات باقیمانده محور هراز موافقت کرد. بر اساس این تفاهمنامه، احداث باند دوم محور هراز حد فاصل گزنک به آب اسک، طرح و اجرای آب اسک به زیارباغ به روش EPC ، احداث باند دوم محور هراز حدفاصل تونل شماره دو تا شش و شماره هفت تا ۹، احداث تونل سیاه بیشه و احداث باند دوم از پل بایجان تا گزنک به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا واگذار شد. حداکثر زمان اجرای پروژه ۲۰ ماه و مبلغ پیش‌بینی شده برای اجرای همه قطعات ۱۲۴ میلیارد تومان است. پیش‌بینی می‌شود با این تنفیذ و به جهت توان فنی و ماشین‌آلاتی قرارگاه خاتم‌الانبیا، امکان استفاده به موقع و بهینه در این محور پرتردد فراهم شود.

چفیه چینی در بازار

به دلیل قبضه شدن بازار توسط تولیدات چینی، تنها شرکت تولید چفیه فلسطین در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است. به گزارش جهان به نقل از دی ولت، آخرین شرکت فعال تولید چفیه در کرانه باختری به دلیل اشباع بازار توسط تولیدات ارزان‌قیمت چینی، در حال ورشکستگی است. این شرکت که در مرکز شهر الخلیل واقع در کرانه باختری است، توسط «یاسر هرباوی» و پسرانش اداره می‌شود و تنها کارخانه‌ای است که در حال حاضر اقدام به تولید چفیه‌های معروف فلسطینی می‌کند. یکی از پسران هرباوی در این باره می‌گوید: تولیدات چینی، بی‌کیفیت‌تر و ارزان‌تر از تولیدات این کارخانه هستند اما کیفیت دیگر برای خریداران مهم نیست و با قیمت‌های موجود، کارخانه فلسطینی توان رقابت با محصولات چینی را ندارد. این کارخانه در سال ۱۹۶۱ و در ابتدای فعالیت «یاسر عرفات» و جنبش فتح تاسیس شده است. پس از آن سال‌ها چفیه به عنوان یکی از نمادهای مقاومت فلسطین شهرت جهانی یافت.

باغ‌های پسته کرمان در معرض خشکیدن

دبیر انجمن پسته ایران با اشاره به خشکسالی شدید در قطب اصلی تولید پسته جهان گفت: هم‌اکنون بسیاری از باغ‌های پسته کرمان خشک شده‌اند و در معرض خطر خشکسالی قرار دارند. به گزارش مهر، محمد سلطانی در نشست ستاد پسته کرمان که در استانداری برگزار شد، اظهار کرد: به دلیل خشکسالی که طی سال‌های اخیر در کرمان صورت گرفته و برداشت بی‌رویه آب در بخش کشاورزی و عدم تجدید منابع آبی کشاورزی کرمان به خصوص دشت‌های پسته‌خیز با کمبود شدید آب مواجه شده‌اند. وی افزود: هم‌اکنون دغدغه اصلی کشاورزان پسته‌کار کرمان که بخش عمده پسته جهان را تولید می‌کنند، کمبود آب است و در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب برای حل این مشکل به زودی کشت پسته در استان کرمان با مشکل مواجه خواهد شد. سلطانی خاطرنشان کرد: از مسوولان می‌خواهیم به داد پسته کرمان برسند زیرا بخش قابل توجهی از باغ‌های پسته خشک شده‌اند و خشکیدگی در باغ‌ها به دلیل عدم وجود آب ادامه دارد.

بعد از مازنی‌ها نوبت گیلکی‌ها

بعد از مازندرانی‌ها، نوبت گیلانی‌هاست که با مشاهده قبض‌های برق ماه‌های خرداد و تیر خود متعجب شوند.

یکی از مغازه‌داران ساکن رشت از افزایش چهار برابری نرخ قبض برق دو ماهه اخیر خود « به فردا» می‌گوید: «قبض برق ما نسبت به ماه گذشته تقریباً چهار برابر شده است.»در حالی که مسوولان دولتی دلیل این افزایش ناگهانی بهای برق را نتیجه استفاده بسیار زیاد مشترکان از وسایل سرمایشی و به تبع آن افزایش تصاعدی هزینه مصرف و همین طور جریمه بیان می‌کنند، شهروندان مازندرانی و گیلانی همچنان دلیلی برای افزایش نرخ برق پیدا نمی‌کنند. یک شهروند رشتی معترض به بهای برق مصرفی که به اداره برق هم مراجعه کرده است، پاسخ‌های مسوولان را غیرمنطقی توصیف می‌کند و می‌گوید اکثر همسایه‌هایش به اداره برق رفته‌اند اما پاسخ روشنی دریاف